

سند سازی برای جنگ

امیر فیض - حقوقدان

چهارشنبه ۶ مرداد ۲۵۴۹

۲۸ جولای ۲۰۱۰

به امضای دکتر منوچهر رزم آرا - دکتر جلال مدنی و حزب سوسیال دموکرات! نامه ای با عنوان «درود دوباره به شاهزاده رضا پهلوی» نوشته شده که از سرنوشت آن نامه اطلاعی ندارم.

در نامه مزبور، شرط و شروطی متوجه اعلیحضرت گردیده که محتوا و تاثیر آن متوجه مبارزه سلطنت طلبان و نیز ایجاد سند حقانیت برای همکاری در جهت جنگ با ایران است.

از این جهت، توجه به مراتب آن نامه دور از احتیاط نیست. باتفاق در مسیر آن نامه گشتی خواهیم داشت.

۱- در نامه مزبور آمده است. ^۱ «سکوت شما (مقصود از شما اعلیحضرت است) بیان آن است که به **اعتقاد ما**، تمایلی به سرنگونی و یا براندازی رژیم اسلامی ندارید.

تصور می شود که نویسنده نامه، معنای «اعتقاد» را دست کم گرفته و یا آنرا با «نظر» اشتباه گرفته است.

اعتقاد، پس از گذر از دوران شک و ورود به یقین آنهم یقینی که مبتنی بر حکمت است بوجود می آید، لاجرم، درحالیکه نویسنده نامه اعتقاد دارد که اعلیحضرت تمایلی به براندازی رژیم جمهوری اسلامی ندارند، نه عقلایی و نه منطقی است که از چنان شخصی (اعلیحضرت) خواست که رهبری مبارزه را بدست بگیرند.

در حقوق اسلامی، اصلی هست که می گوید: «کسی را که متهم میدانید، نمی توانید آنرا به کار امانتی وادارید» یعنی از نظر منطقی نمیتوان به کسی که "اعتقادی به نجات ایران ندارد" بار نجات ایران را به دوش او گذاشت.

۲- درنامه آمده است: «اگر چنانچه نواده رضا شاه نبودید و درجایگاهی بدون نهاد تاریخی قرار نداشتید **اسراری** در آن نمیداشتیم که شما پا به میدان بگذارید» (نویسنده خواسته «اصرار» بنویسد).

نخستین سوال این است که چرا نویسنده نامه موقعیت اعلیحضرت را به نواده رضا شاه متصل ساخته نه فرزند شاهنشاه ایران؟ پاسخ روشن است، کینه و عداوت نسبت به شاهنشاه ایران و بطور کلی شاهنشاهی ایران آنها را برحذر داشته که نامی و یا اشاره و یا انتسابی به شاهنشاه ایران در این نامه بشود. نویسنده و یا نویسندگان نامه آنقدر به مسئله عدم اشاره به شاهنشاه ایران حساسیت نفرت آمیز داشته که حتا بجای «نهاد پادشاهی»؛ «نهاد تاریخی» که بدون معنی و ارتباط با هویت ملی ایرانیان است استفاده کرده است.

^۱ تاریخ نامه ۰۱-۰۶-۲۰۱۰ است. که از سوی حزب سوسیال دموکرات ایران Spiran به آدرس اینترنتی www.spiran.com در آن نامه مشخص شده است. امروز نتوانستم آن نامه را در سایت این گروه که در تارنمایشان خود را (سوسیال دموکراسی برابر با چپ + روشنگری) عنوان میکنند پیداکنم. ح-ک

۳- در نامه آمده است: «مسئولیت شما بعنوان وارث تاج و تخت به مراتب بیشتر و سنگینتر از ماست» در اینجا نویسنده غافل از معنا و کیفیت توجه مسئولیت است. مسئولیت ناشی از قانون است. (حقوق مدرن نه اسلامی) در کدام قانون، مسئولیت و موقعیتی برای شخص و یا اشخاص با عنوان (وارث و تاج و تخت) مقرر شده است. قانون اساسی، سنت پادشاهی، فرهنگ سیاسی ایرانی، سیر مشروطیت و سنت آن، فقط برای **پادشاه قائل** به مسئولیت معنوی محدود در حد مقرر در قانون اساسی و سوگند سلطنت شده است نه برای "وارث تاج و تخت" که هیچ معنای حقوقی ندارد، زیرا که سلطنت، اولاً تاج و تخت نیست و ارثیه هم محسوب نمی شود، اگر ارث بود متعلق به عموم ورثه بود، سلطنت متعلق به ولیعهد هم نیست، ولیعهد که تابع قانون باشد متصدی سلطنت است.

وانگهی نویسندگان نامه که در میبانی اندیشه هایشان، رژیم شاهنشاهی ایران و قانون اساسی آنرا زیر عنوان «قیام و خروش ملت» پایان یافته می دانند، استفاده از عناوین حتا بی محتوای -تاج و تخت- و بار مسئولیتی آن کاری جلف و در خور عقل سالم نیست. یعنی چیزی که بنظر نویسندگان نامه ساقط از موجودیت حقوقی و مشروعیت ذاتی است، چگونه ممکن است مسئولیت را از آن خواست.

ذات نا یافته از هستی بخش کی تواند که بود هستی بخش؟

۴- سند همکاری برای حمله نظامی به ایران

در نامه مزبور آمده است: «چنانچه شما اعلام بفرمایید که در مقابل مردم ایران در هیچ شرایط و موقعیتی وظیفه ای نداشته و احساس مسئولیت هم نمی کنید، بدیهی است که ما نیرو های اویوزیسیون و قاطبه مردم ایران تلکیف خود را روشن خواهیم دید که چه باید کرد و با کدام بدیل باید به جنگ و رو در رویی با رژیم اسلامی یا نبردی سرنوشت ساز رفت»^۲

آن چیزی که به حقیقت مرا و ادار ساخت که این تحریر به آن نامه اختصاص یابد همین بند مورد اشاره است. از خواننده این تحریر تقاضا دارم که بند مزبور را دوباره با دقت بخوانند و نخست به این پرسش پاسخ بدهد که آیا خواننده این تحریر حاضر است چنان اعلامی بنماید که «در مقابل مردم ایران در هیچ شرایط و موقعیتی وظیفه ای نداشته و احساس مسئولیتی نمی کند؟» تا چه رسد به اعلیحضرت که بعلت مسئولیت قانونی و سنتی نه می توانند و نه ممکن است که چنین اعلامی که نویسنده نامه درخواست دارد را بنمایند. اساساً انجام این شرط و درخواست انجام آن، غیر قانونی، غیر انسانی و بدور از شرافت ملی و اخلاق هر ایرانی است.

هیچکس حتا آنها که ایران را فراموش کرده اند ممکن نیست حاضر شوند که به چنین اعلامی که نویسندگان نامه از اعلیحضرت خواسته اند تن دهند.

خوب، سؤال این است؛ پس چرا نویسندگان نامه چنین شرط و تعهد و اعلامی را از اعلیحضرت خواسته اند؟ پاسخ روشن است، خود نویسندگان نامه علت این درخواست را بیان کرده اند و گفته مقصود آنجاست که می گویند: «با کدام بدیل باید به جنگ و رو در رویی با رژیم اسلامی با نبردی سرنوشت ساز رفت» بدیل این مقوله، همان بدیل جنگ است که در جهان سیاست از سوی آمریکاییها و اسرائیلی ها مطرح است.

^۲ - این چند نفر نویسندگان حتا اگر در گروه خود چندین و چند ده باشند چطور بخودشان اجازه می دهند از جانب «قاطبه» مردم ایران سخن برانند و مورد جنگ را از جانب مردم ایران به میان بکشند... ؟ یا اینان چه (معنی)واژه ها را نمی دانند و یا عمداً سند همکاری با بیگانه جعل می کنند... ح-ک

نویسندگان نامه به دنبال سند سازی و تحصیل مجاز هستند تا ظرفیت حضور خودشان را در جابداری از جنگ با ایران توجیه کنند، نه تنها خودشان بلکه «**قاصبه**» مردم ایران را هم با این سند به هواخواهی از جنگ بکشانند.

از آنجا که رویه اعلیحضرت پاسخ به چنین نامه هایی نیست، و از آنجا که در همین نامه نویسندگان به اعتقاد خودشان مبنی بر عدم تمایل اعلیحضرت به براندازی جمهوری اسلامی استناد شده است، اعتقاد آنان در کنار عدم پاسخ از سوی اعلیحضرت و یا پاسخی قاطع و شکننده بنامه این ادعا را در بازار تحریف و تبلیغ بوجود می آورد که نویسندگان نامه ناچار بوده اند راه همکاری با بیگانگان را برای جنگ با رژیم اسلامی انتخاب کنند و در حالیکه اصرار داشته اند که وارث تاج و تخت !! رهبری مبارزه را قبول کنند و پاسخ دریافت نداشته اند بدیل دیگری برای نجات ایران جز بدیل جنگ که آنهم به فرماندهی آمریکا و اسرائیل ممکن است، وجود نداشته و ندارد.

نیروهای جان برکف:

در نامه مزبور از عبارت: «نیروهای جان برکف اپوزیسیون» استفاده شده است. نخست این توجه بجاست که عنوان «جان برکف» عنوانی بود که سید احمد مدنی برای خود در راه خمینی انتخاب کرد و خود را کارگذار و یار **جان برکف** امام خمینی نامید (مصاحبه با روزنامه جوانان سال ۵۷- به سنگر ها مراجعه شود برای توضیح) ظاهراً حضور جلال مدنی در بین نویسندگان نامه نشان می دهد که ارثیه فکری سید احمد مدنی یار جان برکف امام به حضرات منتقل شده است.

دیگر اینکه، عبارت مزبور را کسی در نامه نوشته که در دولت بختیار وزیر بوده! (رزم آرا) و حسب اعلام آقای صمیمی احد از وزرای کابینه بختیار در مصاحبه با روزنامه «آهنگ روز» دکتر رزم آرا در هیئت دولت بختیار آنچنان در مانده و مستاصل و زبون شده بود که مرتباً می گفت: «خدا کند که زودتر بیایند و ما از این دردسر (حکومت) راحت شویم.» همان جان برکفی که آنروز، بود، صد برابر آن امروز هست، مگر اینکه مانند احمد چلبی جان برکفی خودشان را در کنار نیروهای مهاجم آمریکایی نشان بدهند.

بکار گیری تاریخ بیگانه (هجری شمسی) نادیده گرفتن تاریخ پر شکوه ایران پیش از اسلام و ننگ آور برای یک ایرانی است.

Wednesday, 28, July, 2010 --- 6 Amرداد 2549 ***** ۲۰۱۰ - ۲۸ جولای - ۲۵۴۹ - ۶ امرداد ۱۱۶۰ تیر شید

۵۳۹ سال پیش از میلاد ۱۱۶۰ سال پیش از فرار خفت انگیز از مکه به مدینه. 539 years BC, 1160 years prior to the deceptive escape from Mecca To Medina

This date effective Farvardin 2545 will be updated in every e-mail ... این تاریخ از فروردین ۲۵۴۵ هرروز تازه خواهد شد... تا زمانی که هر ایرانی

[تاریخ ایرانی](#) [Pure Iranian calendar](#)